دانشـــنامـــهٔ علـــوم اجتمـــاعی
دورهٔ ۱، شمـارهٔ ۳، بهار ۱۳۸۹

فضاهای قابل دفاع به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی در کاهش میزان جرم‌های شهری و ارتقای امنیت محیطی (با توجه به شهرهای سنتی ایران)

محمدرضا پورجعفر[۱*]، فاطمه رضایی‌فر[۲]، علی‌اکبر تقوایی[۳]

(تاریخ دریافت ۸۹/٤/۲، تاریخ پذیرش ۸۹/۷/۱۳)

چکیده

امنیت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در محیط‌های شهری است. بنابراین نیـاز بـه امنیـت در فـضاهای شـهری، موجب شکل‌گیری مجموعه نظریه‌های مستندی چون نظریهٔ «فضاهای قابل دفاع» و «پیـشگیری از جـرم از راه طراحی محیطی» (CPTED) شده است. در این نوشتار، ابتدا جنبه‌های مختلف مرتبط با نظریه‌های فضای قابل دفاع بررسی، و عناصر کلیدی آن تعریف شده است. در ادامه نقـش فـضاهای قابـل‌دفـاع بـه‌عنـوان سـرمایه‌ای اجتماعی در کاستن از میزان جرم و جنایت در شهرها مورد توجـه قـرار گرفتـه اسـت. در پایـان نیـز رویکـرد فضاهای قابل‌دفاع در شهرهای سنتی ایران، با تأکید بر شهر اصفهان بررسی شده است.

هدف این تحقیق، بررسی فضاهای قابل دفاع در عرصهٔ شهری و نقش این فضاها به‌عنوان سـرمایه‌ای اجتماعی در کاستن از میزان جرم و جنایت شهری است. ضمن اینکه با مرور روند شکل‌گیری شـهرهای

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس *Pourja_m@modares.ac.ir
۲. کارشناس ارشد شهرسازی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس
۳. دانشیار گروه شهرسازی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

سنتی ایران، به بررسی پیشینهٔ این رویکرد- فضای قابل دفاع- در شهرهای تاریخی سرزمین کهـن ایـران (نمونه شهر اصفهان) پرداخته است. سؤال محوری مقاله این است: آیا بین سرمایهٔ اجتمـاعی و فـضاهای قابل دفاع در سطح محلات شهری رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

روش تحقیق مقاله، تحلیلی- اسنادی از نوع توصیفی است و نویسندگان با بهره‌گیری از منابع، اسـناد و مدارک مرتبط با تحقیق، به تحلیل موضوع پرداخته‌اند. نتایج و یافته‌های تحقیق پیشینهٔ وجـود فـضای قابـل دفاع- در طراحی و برنامه‌ریزی- را در شکل‌گیری شهرهای تاریخی ایران تأیید می‌کند. فضاهای قابل دفـاع و امن در شهرهای تاریخی ایران با پـشتیبانی از مفهـوم سـرمایهٔ اجتمـاعی، تحـت نظـارت همگـانی و بـا مسئولیت جمعی مراقبت می‌شده و در کاهش جرم و ثبات امنیتی در شهرها نقش برجسته‌ای داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهر، فضاهای قابل دفاع، سرمایهٔ اجتماعی، جرم، شهرهای سنتی ایران.

مقدمه

موضوع امنیت به‌عنوان یکی از نیازهای بنیادین بشر و یکی از پشتوانه‌هـای سـرمایهٔ اجتمـاعی، همواره مورد توجه بوده است. پژوهش‌های صاحب‌نظران عرصـهٔ شهرسـازی، معمـاری و نیـز علوم اجتماعی چون اسکار نیومن، جین جیکوبز، سالی مـری و بـسیاری دیگـر از متخصـصان حوزه‌های مرتبط، موجب پیـدایش نظریـه‌هـای مـستندی چـون نظریـهٔ فـضاهای قابـل دفـاع، پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی[1] و... شده است. مفهوم فضای قابل دفاع[2] اولـین‌بـار از حدود دههٔ شصت میلادی وارد حوزهٔ شهرسازی شد؛ به‌این معنا که امنیت شهری وقتـی ایجـاد می‌شود که بتوانیم ابزارهای لازم را برای ساختن فضای قابل دفاع فراهم کنیم؛ فضایی که مـردم در آن احساس امنیت، آرامش و رضایت خاطر کنند. در واقع اطمینان خاطر شهروندان ناشی از هراس نداشتن آن‌ها- چه عینی و چه ذهنی- از هر نوع تهدید و خطـر علیـه عوامـل مختلـف سازندهٔ شهر است؛ عواملی چون فضاهای شهری، مجتمع‌های مـسکونی، تأسیـسات، فـضاهای سبز عمومی و ... که احساس ناامنی را در شهروندان به‌وجود می‌آورد. فـضاهای قابـل‌دفـاع بـه گواه این تحقیق، در نحوهٔ شکل‌گیری بافـت سـنتی ایـران مـؤثر بـوده و موجـب شـکل‌گیـری شهرهای قابل دفـاع و امنـی شـده اسـت کـه بـا مـسئولیت جمعـی مراقبـت مـی‌شـده اسـت.

1. Crime Prevention Through Environmental Design
2. Defensible Space

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

مسئولیت‌پذیری مؤثر ساکنان در پایش محیط زندگی خود، نتیجهٔ عواملی است که فضای قابل‌دفاع را خلق کرده و موجب احساس نظارت جمعی در ساکنان شده است. در واقع پیامد این مسئولیت و ابزار تقویت‌کنندهٔ آن، آشنایی بیشتر ساکنان با هم و با محیط زندگی‌شان است. امری که با توجه به تعریف سرمایهٔ اجتماعی: «آنچه می‌دانید مهم نیست، آن‌که می‌شناسید مهم است»، دقیقاً بر آشنایی و نتایج آن دلالت می‌کند. با فرض اینکه آشنایی در بیشتر مواقع فایده‌مند است و این سودمندی نوعی منبع ارزشمند به‌شمار می‌رود، کاربرد مفهوم «سرمایه» را در سرمایهٔ اجتماعی قابل دفاع می‌کند (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰). بنابراین فضاهای قابل دفاع با این تعریف پیش‌شرط‌های لازم را در فضا به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی فراهم آورده است. مسئله‌ای که اهمیت آن در ایجاد امنیت و کاهش جرم در شهرها، لزوم بررسی پیشینه، عوامل مؤثر و هدف فضاهای قابل دفاع را در این مقاله موجب شده است.

پیشینهٔ تحقیق (سابقه و گرایش‌های زمینه‌ای)

مفهوم سرمایهٔ اجتماعی دیرزمانی نیست که به عرصهٔ علوم اجتماعی وارد شده است؛ اما با سرعت چشمگیری گسترش یافته است. ردّپای این مفهوم را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. سرمایهٔ اجتماعی در معنای مدرن خود نخستین‌بار در سال ۱۹۱٦م در نوشته‌های هانیفان[1]، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا به‌کار رفت. این سرمایهٔ ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانهٔ مردم را دربرمی‌گیرد؛ اموری مانند حق کسب و کار، معاشرت، همفکری و همدردی و دادوستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را می‌سازند. هانیفان سرمایهٔ اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کفایت می‌کند. پس از او محققان و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعات و نظریه‌های خود را در این‌باره ارائه داده‌اند؛ افرادی چون جین

1. Hanifan

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

جیکوبز[1] استاد مسائل شهری، گلن لوری[2] اقتصاددان، ایوان لایـت[3] جامعـه‌شـناس، فوکویامـا[4]، کلمن[5] جامعه‌شناس، پوتنام[6] دانشمند علوم سیاسی، و پیر بوردیو[7]. اما بررسی‌ها نشان می‌دهـد، اولین‌بار جین جیکوبز در کتاب ***مرگ و زندگی شـهرهای بـزرگ آمریکـایی*** (۱۹۶۰م) موضـوع سرمایهٔ اجتماعی را وارد حوزهٔ مطالعات شهری کرد. در این کتاب ارتباط سـرمایهٔ اجتمـاعی و نظافت شهری و مقابله با جرم و جنایت بحث و بررسی شده است (Wikipedia, 2008). این در حالی است که عده‌ای نتیجهٔ سـرمایهٔ اجتمـاعی را افـزایش کنتـرل‌هـای اجتمـاعی و نـوعی هنجارمندسازی اجتماعی دانسته‌اند.

در بررسی پیشینهٔ مفهوم فـضای قابـل دفـاع در مطالعـات شـهری بایـد توجـه داشـت، پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی را در اصل جرم‌شناسی بـه نـام سـی ری جفـری[8] ابداع کرد و هم‌زمان با آن، معماری به‌نـام اسـکار نیـومن یـک شـیوهٔ محـدودتر آن را کـه «فضای قابل دفاع» نامیده شد، مطرح کرد. کتاب او: ***فضای قابل دفاع: پیشگیری از جنایت از طریق طراحی شهری*** در سال ۱۹۷۲م منتشر شد. نیومن این شیوه را به CPTED نسبت داد و جفری را مبتکر این عبارت معرفی کرد. مدل جفری بیشتر به‌عنوان شیوهٔ چنـدضـابطه‌ای پیشگیری از جنایت عمل می‌کند که بیولوژی و روان‌شناسی را ترکیب می‌کند؛ وضعیتی که حتی خود جفری نیز آن را پذیرفت. این مفهـوم بیـان مـی‌کنـد کـه جـرم و تخلـف از راه طراحی محیطی می‌تواند کنترل شود و کاهش یابد. اهمیت این اندیـشه در ایـن اسـت کـه محیط متعلق به فرد را برای سنجش توقعش از جرم و جنایت در اجتمـاع شـرح مـی‌دهـد (Wikipedia, 2008). در همین زمینه پارک معتقـد اسـت نـواحی شـهری از پیـشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنان جلوگیری می‌کند و باعث رواج انحراف‌های اجتماعی می‌شود. در

1. Jane Jacobs
2. Gallen Lurry
3. Ivan Light
4. Fukuyama
5. Coleman
6. Robert Putnam
7. Pierre Bourdieu
8. C. Ray Jeffery

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

واقع او به چگونگی طراحی و سازمان فیزیکی شهر اشاره می‌کند که بر الگوهای فرهنگی- اجتماعی زندگی شهری تأثیری عمیق می‌گذارد (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۷). بررسی مطالعات تجربی در سنجش میزان امنیت و دفاع‌پذیری فضاهای شهری در کشورهای مختلف نشان می‌دهد هرچند افزایش جرم و بزهکاری و پیامدهای آن ازجمله ناامنی در عصر کنونی به یک ویژگی عمومی کلان‌شهرها در جهان تبدیل شده است، در برخی کشورها مانند انگلستان این مشکل در شهرهای متوسط نیز به‌شکل جدّی‌تری دیده می‌شود؛ به‌طوری که مسئولان را واداشته است تا برای انجام اقداماتی در جهت امن‌سازی محیط‌های شهری در این شهرها تدابیری خاص بیندیشند.

در ایران دربارهٔ فضای دفاع‌پذیر تحقیقات بسیار محدودی انجام شده است. یکی از آن‌ها، پژوهشی است که به فضاهای بدون دفاع در تهران پرداخته است. در این تحقیق ضمن تعریف این نوع فضاها، با طرح چند سؤال اساسی به علت‌یابی پیدایش این فضاها، عملکرد، ویژگی‌های کالبدی آن‌ها و ارزیابی میزان مستعد بودن جامعهٔ ایران برای کنترل یا گسترش فضاهای بدون دفاع و سرانجام ارائهٔ راه‌حل‌هایی برای کنترل این گونه فضاها و کاهش تعداد آن‌ها توجه شده است (پودراتچی، ۱۳۸۱: ۳٤). مطالعات و بررسی‌ها گویای آن است که دربارهٔ مفهوم سرمایهٔ اجتماعی در ایران به‌ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ اما در زمینهٔ مباحث شهری پژوهشی که مفهوم سرمایهٔ اجتماعی را در ایجاد فضاهای امن و قابل‌دفاع شهری با توجه به معماری و شهرسازی سنتی ایران به‌تفصیل بررسی کند، مشاهده نشده است. هرچند تحقیقاتی در قالب مبحث سرمایهٔ اجتماعی در شهرها چون «سرمایهٔ اجتماعی: سنجش در محله و شهر: چارچوب مفهومی» و «نقش سرمایهٔ اجتماعی در توسعهٔ پایدار محله‌ای (مشهد)» انجام شده است، در هیچ‌یک از آن‌ها ارتباط دوسویهٔ سرمایهٔ اجتماعی و فضاهای قابل‌دفاع به‌طور مستقیم بررسی نشده است. بنابراین شاید بتوان گفت این تحقیق رویکردی جدید در این حوزه دارد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

سرمایهٔ اجتماعی و فضاهای قابل دفاع

سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی دربردارندهٔ مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابـط متقابـل بـین اعـضای گروه است؛ به‌گونه‌ای که گروه را به سمت دست‌یابی به هـدفی رهنمـون کنـد کـه بـر مبنـای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه، مثبت تلقی می‌شود. سرمایهٔ اجتماعی به معنای همبستگی بین افراد، مفهومی است که از اوایل دهه ۱۹۲۰م مطـرح شـد. صـاحب‌نظـران و دانـشمندان علـوم اجتماعی در این حوزه تحقیقات گـسترده‌ای انجـام داده‌انـد و نظریـه‌پردازانـی همچـون جـین جیکوبز (۱۹٦۱)، لوری (۱۹۷۰) بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامـسن (۱۹۸۱)، بیکـر (۱۹۸۳)، جیمـز کلمـن (۱۹٦٦)، رابـرت پوتنـام (۱۹۷۰)، پیـر بوردیـو (۱۹۸۰) و فرانـسین فوکویامـا (۱۹۹۰) تعریف‌های بسیاری از سرمایهٔ اجتماعی ارائه کرده‌اند. جین جیکوبز در کتـاب ***مـرگ و زنـدگی شهرهای بزرگ آمریکایی*** سرمایهٔ اجتماعی را شبکه‌هـای اجتمـاعی فـشرده‌ای مـی‌دانـد کـه در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، از بین بردن جـرم و جنایـت خیابـانی و تصمیم‌هایی در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسـمی ماننـد نیـروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نـشان مـی‌دهنـد. مثـال عینـی ایـن تعریف را در دنیای امروز می‌توان در تشکّل‌های غیردولتی حمایت از محیط زیست یافت. این شبکهٔ اجتماعی گاهی نیروهای قدرتمندی را به‌صورت NGOها به‌وجود می‌آورد کـه حتـی در حمایت از محیط زیست موجب توقف طرح‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند.

از نظر پیر بوردیو، سرمایهٔ اجتماعی حاصل جمع منابع بـالقوه و بـالفعلی اسـت کـه نتیجـهٔ مالکیت شبکهٔ بادوامی از روابط کمابیش نهادینه‌شدهٔ آشنایی و شناخت دوسـویه بـین افـراد یـا عضویت در گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعـضای خـود را از پـشتیبانی سـرمایهٔ جمعـی برخوردار می‌کند و آنان را سزاوار اعتبار می‌کند (مبشری، ۱۳۸۷: ۱٦). البتـه سـرمایهٔ اجتمـاعی مستلزم شرایطی به‌مراتب بیش از وجود صِرف شبکهٔ پیوندهاست. در واقع پیوندهای شـبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند: مثبت و مبتنی بر اعتماد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

از نظر کلمن، سرمایهٔ اجتماعی شامل چارچوبی اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون آن می‌شود؛ به‌گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دست‌یابی به هدف معین هزینهٔ بیشتری تحمیل کند (مبشری، ۱۳۸۷: ۱٦). از دیدگاه پوتنام (۲۰۰۰) سرمایهٔ اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که شرکت‌کنندگان را قادر می‌کند تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را پی بگیرند. از دیدگاه بوردیو و کلمن، سرمایهٔ اجتماعی ممکن است روابط بین افراد را آسان کند؛ حتی ممکن است این موفقیت به بهای محروم کردن سایر افراد به‌دست آید. به‌طور مشابه واضح نیست که آیا میزان بالاتر سرمایهٔ اجتماعی در سطح محلی منافعی را برای کل جامعه درپی دارد؟ به این سبب بیشتر صاحب‌نظران بین انواع گوناگون سازمان‌ها تمایز قائل می‌شوند و استدلال می‌کنند که شبکه‌های پیوندی[1] در مقایسه با شبکه‌های متحدکننده[2] به‌احتمال زیاد آثار خارجی مثبت بیشتری را برای جامعه درپی‌دارد (www. alhosseini. org, 2008). پوتنام بین دو شکل اولیهٔ سرمایهٔ اجتماعی: سرمایهٔ اجتماعی ارتباط‌دهنده (یا جامع) و سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری تمایز قائل می‌شود و می‌گوید سرمایهٔ اجتماعی ارتباط‌دهنده افراد وابسته به تقسیمات اجتماعی گوناگون را گرد هم می‌آورد و سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی هویت‌های انحصاری را تقویت می‌کند و باعث حفظ همگنی می‌شود.

فوکویاما سرمایهٔ اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی می‌داند که از یک‌سو موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه، و از سوی دیگر سبب کاهش هزینه‌های ارتباط‌ها می‌شود. به نظر او، سرمایهٔ اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط نزدیکی دارد؛ به‌این ترتیب که هرچقدر شعاع اعتماد در گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایهٔ اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و درپی آن میزان همکاری و اعتماد دوسویهٔ اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت (مبشری، ۱۳۸۷: ۱٦). پورتس در ارزیابی سرمایهٔ اجتماعی، چهار پیامد منفی سرمایهٔ اجتماعی را برمی‌شمارد: محرومیت بیگانگان، توقعات بیش از حد از افراد گروه، محدودیت آزادی فردی و هنجارهای محدود نگهدارنده (Portes, 1998: 1-24). درخور ذکر است که

1. Bridging
2. Bonfing

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

بین سرمایهٔ اجتماعی «درون‌گروهی» و «پیوندی» باید تمایز قائل شـد. در حـال حاضـر دربـارهٔ نتایج منفی سرمایهٔ اجتماعی پیوندی، هنگامی‌که در تعادل با مقدم خود یعنی نوع درون‌گروهـی باشد، هیچ تحقیقی انجام نشده است. پوتنام می‌گوید سرمایهٔ اجتماعی می‌تواند موجب تقویـت همکاری و به‌طور هم‌زمان گسترش روابط حمایتی دوجانبـه در اجتماعـات و ملـت‌هـا شـود؛ بنابراین می‌تواند برای مبارزه با بسیاری از نارسایی‌های اجتمـاعی در جوامـع مـدرن، همچـون جرم‌ها، که جزء جدایی‌ناپذیر آن‌هاست، ابزار ارزشمندی باشد (Putnam, 1993: 27).

آنچه از تعریف‌های بی‌شمار سرمایهٔ اجتماعی برمی‌آید این است که مفهوم سرمایهٔ اجتماعی دربردارندهٔ مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط دوسویه بین اعـضای گـروه اسـت؛ بـه گونه‌ای که گروه را به سمت دست‌یابی به هدفی رهنمون کند که بـر مبنـای ارزش‌هـا و معیـار رایج در جامعه، مثبت تلقی می‌شود. بـر اسـاس ایـن تعریـف، هرچنـد ممکـن اسـت سـرمایهٔ اجتماعی به دلیل تقویت نیروهای جاذبه بین اعضای گروه و نیروهـای دافعـه بـین گـروه‌هـای متفاوت لزوماً عامل مثبتی در جامعه نباشد، به‌یقین برای پیشبرد و دست‌یابی آسـان بـه اهـداف تعیین‌شدهٔ جامعه عاملی ضروری به‌شمار می‌رود.

فضاهای قابل دفاع

فضای قابل دفاع بنا به تعریف نیومن، واژه‌ای است برای سلسله‌ای از نظام‌هـای فـضایی شـامل موانع واقعی و نمادین، حوزه‌های نفوذ تعریف‌شده و امکان مراقبت بیشتر که در کنار هم محیط را به کنترل ساکنان درمی‌آورد. در این فضا به فعالیـت‌هـای مجرمانـه کمتـر اجـازهٔ وقـوع داده می‌شود. در واقع فضای دفـاع‌پـذیر بـه بررسـی تـأثیر رفتـار اجتمـاعی تولیـدشـده از موضـع برنامه‌ریزی، طراحی و معماری می‌پردازد (Newman, 1996).

مؤلفه‌های ایجاد فضای قابل دفاع و اهداف آن

ارتباط دوسویهٔ محیط و رفتار موجب شده اسـت تـا عوامـل مـؤثر بـرای دخالـت در محـیط، به‌گونه‌ای که بر رفتارهای اجتماعی و فردی اثری مطلـوب بگـذارد، مـورد توجـه قـرار گیـرد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

اشارات ابن خلدون و محققان دیگر چون منتسکیو دربارهٔ تأثیر شرایط اقلیمی و محیط طبیعی در شکل‌گیری تحولات رفتاری، نمونه‌ای از بررسی‌های انجام‌شده در این حوزه است (مونتسکیو، ۱۳٦۲: ۱۲؛ ابن‌خلدون، ۱۳۵۲: ۲۵). این ارزیابی در عرصه‌های شهری نیز مورد توجه واقع شده و نظریه‌پردازان بسیاری مؤلفه‌های فضای دفاع‌پذیر را بررسی کرده‌اند. نیومن که از نظریه‌پردازان این حوزه است، برای ایجاد فضای قابل دفاع وجود چهار عامل را ضروری می‌داند:

۱. نظام ارباب رعیتی ایجاد حکومت مستقل ناحیه‌ای: به این معنا که خانهٔ هر فردی مقدس است.
۲. نظارت طبیعی: پیوستگی بین خصوصیات فیزیکی فضا و توانایی ساکنان برای مشاهدهٔ آنچه اتفاق می‌افتد.
۳. مجسم کردن (پندار): قابلیت طراحی فیزیکی برای بیان احساس امنیت.
٤. قلمرو: فضای قابل دفاع تا اندازه‌ای به وجود قلمروها و توانایی‌های افراد برای نظارت بر رخدادهای محل زندگی‌شان متکی است (Newman, 1996).

نیومن متوجه رابطهٔ بسیار نزدیک فقدان قلمرو و نظارت آشکار بر فضا با میزان جنایت شد (آلتمن، ۱۳۸۲: ٤۷). جنبه‌های دیگری نیز ممکن است بر امنیت اثرگذار باشد؛ مثل نزدیکی به ایستگاه پلیس یا منطقهٔ تجاری شلوغ. البته نظریه‌پردازان بی‌شماری این عوامل را تأیید می‌کنند و آن‌ها را لازمهٔ ایجاد فضای دفاع‌پذیر در عرصه‌های شهری می‌دانند. همهٔ تدابیری که برای ایجاد یا تقویت فضاهای دفاع‌پذیر در نظر گرفته شده‌اند، هدف مشترکی دارند، و با هماهنگی برنامه‌های تعریف‌شده، به‌گونه‌ای مطلوب در جهت رسیدن به این اهداف تعریف‌شده عمل می‌کنند:

۱. بازسازی چیدمان فیزیکی اجتماعات به این معنا که به ساکنان اجازه می‌دهد فضاهای اطراف خانه‌هایشان را کنترل کنند؛ این فضاها شامل خیابان‌ها، زمین‌های بیرون ساختمان‌هایشان- لابی‌ها- و کریدورهای درونشان است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

۲. این برنامه‌ها به مردم کمک می‌کند تا آن دسته از فضاهایی را که آن‌ها به‌طور معمـول ارزش‌ها و سبک زندگی‌شان را در آن فضا درک می‌کنند، به‌خوبی حفظ نمایند.

فضای قابل دفاع و نظریهٔ پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی (CPTED)

پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی را جرم‌شناسی به نام جفری ابداع کرد و هم‌زمان معماری به نام اسکار نیومن یک شیوهٔ محدودتر آن را که «فضای قابل دفاع» نامیده شد، مطـرح کـرد. مطالعـات جرم‌شناسی سال‌های اخیر در تشریح نظریهٔ CPTED، سه رویکرد را در زمینهٔ پیـشگیری از جـرم در محیط ساخته‌شده مطرح کرده است. اولین رویکرد، پیشگیری از جرم از راه طراحی محیطی اسـت. در این روش بر کاهش فرصت‌های جرم‌خیز از راه روش‌های برنامـه‌ریـزی و طراحـی تأکیـد مـی‌شـود (Schneider, 1996: 55). دومین رویکرد، پیشگیری از جرم از راه محل‌های معین است. ایـن روش را وزارت دادگستری ایالات متحده ابداع کرد و سعی داشت جرم را در مکان‌های خـاص بـا ترکیـب فیزیکی و سازمانی راهبردهای پیشگیری از جرم، مثل جامعه به‌عنوان پلیس و جامعه پیشگیری از جرم و جنایت، شناسایی کند. این رویکرد مفهوم طراحی را با تغییرات مدیریتی و نوع استفاده از یک محـل ترکیب می‌کند (Fenis, 1997: 11). سومین رویکرد، سیاست‌های پیشگیری از موقعیـت‌هـای جـرم[1] است و بیشتر در بریتانیا توسعه یافته است. هدف این روش، کاهش جـرم و جنایـت بـا حـذف و یـا مسدود کردن فرصت‌های جرم و جنایت است. با وجود تفاوت‌های این سه رویکـرد، آنچـه در آن‌هـا مشترک است توجه به محل‌های وقوع جرم و چگونگی طراحی و مدیریت آن‌ها در پیشگیری از جرم است (RostamiTabrizi & Madanipour, 2006: 932-944).

جیکوبز در کتاب ***مرگ و زندگی شهرهای بـزرگ آمریکـایی*** (۱۹۶۱)، سـه مشخـصهٔ لازم را برای ایجاد شهری امن این‌گونه توصیف کرده است:

۱. تعیین حدود واضح فضای عمومی و خصوصی؛

۲. تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر؛

۳. سطح بالایی از کاربری پیاده در پیاده‌روها (47).

1. Situational Crime Prevention

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

افزایش سطح فعالیت در خیابان و فضاهای عمومی شهری با پشتیبانی از سرمایهٔ اجتماعی، کاربری پیاده را تشویش می‌کند و از میزان جرم و جنایت به‌طور محسوسی می‌کاهد (شکل ۱). اسکلومو آنجل[1]، یکی از پیشگامان اخیر CPTED، در رساله دکترای آنجل خود (۱۹٦۸) اذعان می‌کند: «محیط فیزیکی می‌تواند روی وضع جرم با تعیین قلمروها، کاهش یا افزایش دسترسی‌ها، با ایجاد یا حذف مرزها و شبکه‌های گردشی، و با تسهیل نظارت توسط شهروندان و پلیس تأثیر مستقیمی بگذارد.» آنجل اثبات می‌کند میزان جرم به‌طور معکوسی با سطح فعالیت در خیابان‌ها مرتبط است (wikipedia, 2008).

شکل ۱ افزایش سطح فعالیت در خیابان و فضاهای عمومی شهری

(رضایی‌فر، لندن ۲۰۰۸)

در واقع رویکرد CPTED (NICP, 2005; Gronland, 2000) از دیدگاه گرونلند راهبردهای ویژه‌ای برای کاهش جرم‌های شهری در نظر می‌گیرد که از سوی مرکز جلوگیری از جرایم به شرح زیر به آن‌ها پرداخته شده است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ٤٤):

۱. تعریف فضاهای کنترل‌شده در ساختار شهری؛

۲. افزایش نظارت طبیعی در معابر و فضاهای شهری؛

۳. تعریف مشخص فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی؛

1. Schlomo Angel

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

٤. امکان‌دهی یا ایجاد رفتارهای امن در مناطق ناامن شهر؛

۵. جلوگیری از مناطق ناامن در مکان‌های امن شهری.

این راهبردهـا بـا نظـارت عمـومی در فـضاهای شـهری و بهبـود فراینـد طراحـی شـهری، از فعالیت‌های نامطلوب اجتماعی جلوگیری می‌کند.

دفاع‌پذیری فضا و عوامل مرتبط با میزان جرم

پترلا[1] در یک دسته‌بندی سه رکن اصلی پیشگیری از جرم را مطـرح مـی‌کنـد: ۱. اجـرای قـانون؛ ۲. شناسایی گروه‌های در معرض خطر و انجام اقدامات پیشگیری اجتماعی؛ ۳. برنامه‌ریزی و مـدیریت فیزیکی (Petrella, 2004: 112). تردیدی نیست که بین دفاع‌پـذیری فـضا و میـزان جـرم ارتبـاط مستقیمی وجود دارد و نتایج پژوهش‌ها نیز آن را تأیید می‌کند. بنابراین شناسایی عوامل وابسته به دو متغیر دفاع‌پذیری و جرم، همسو با تحقّق اهداف، ارتقای کیفیت و امنیت محیطی عمل خواهد کـرد. به دنبال این یافته و به‌منظور شناسایی عوامل وابسته به متغیرهای موردبحث، نظریـه‌پردازانـی چـون سالی، نیومن، آلیس، کولمن و... دو دسته عوامـل اجتمـاعی و عوامـل فیزیکـی را مطـرح کـرده‌انـد (Sally, 1981: 397-422). سرمایهٔ اجتماعی در دستهٔ عوامـل اجتمـاعی قـرار مـی‌گیـرد؛ سـرمایهٔ اجتماعی مجموعه الگوی روابطی است که فرد درگیر آن‌هاست و به آن‌ها دست می‌یابد؛ بـه‌عبـارت دیگر مجموعه‌ای از سازوکارهایی است که بر اساس آن‌ها، گروه‌ها به‌طور ضمنی و پوشیده اعـضای خود را وادار می‌کنند تا رفتار خاصی در پیش بگیرند (پیـران و دیگـران، ۱۳۸۵: ۹-٤٤). بـر اسـاس نظریهٔ پیشگیری از جرم، فضایی امن‌تر است که مردم در آن، نسبت به بخـش‌هـای دیگـر اجتمـاع، تعلق و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند (Newman, 1996).

نتیجهٔ بررسی‌های محققانی چون پارک و برگس دربارهٔ عوامل اجتماعی مرتبط با میزان جـرم در فضاهای شهری نشان می‌دهد، آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و صنعتی که بـه لحـاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده‌اند، ارزش‌ها و سنت‌هـای بزهکارانـه و جنـایی را توسـعه می‌دهند (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۷). همچنین نیومن در مطالعاتش اثبات می‌کند که «جرم و جنایت بـه ایـن سبب که بسترش پاکسازی شده، دور می‌شود»؛ چون هر فضایی مالکی دارد و با مـسئولیت جمعـی

1. Petrella

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

مراقبت می‌شود. اگر بیگانه‌ای وارد فضا شود، با مشاهدهٔ حسّ نظارت اجتماعی فضا در ارتکاب جرم احساس خطر می‌کند. مسئولیت‌پذیری هر فضایی وقتی افزایش می‌یابد که خانواده‌ها در گروه‌های کوچک‌تری فرض شوند که در تضاد با اجتماعِ بزرگ‌ترند. گروه‌های کوچک‌تر بیشتر فضایی را به‌کار می‌برند که مختصّ آن‌هاست. شمار فعالیت‌های فضا افزایش می‌یابد؛ بنابراین احساس تعلق و به دنبال آن نیاز به حفظ مالکیت به‌وجود می‌آید و هر دوی این‌ها از عوامل تقویت‌کنندهٔ سرمایهٔ اجتماعی در یک فضا هستند.

بانک جهانی در تعریف خود از سرمایهٔ اجتماعی (۱۹۹۸)، آن را دربرگیرندهٔ ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی می‌داند که در روابط شخصی افراد، اعتماد آنان به یکدیگر و در حسّ مشترک مسئولیت‌های مدنی بازتاب یافته است؛ امری که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌پندارد (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۹-٤٤). محققان زیادی ازجمله سالی مری بر این باورند که عوامل فیزیکی فضای دفاع‌پذیر در ارتباط دوسویه با عوامل اجتماعی، در فرایند کاهش جرم و ترس مؤثر است (Krupat & Kubzansky, 1970: 58-61). فضای دفاع‌پذیر عموماً به معماری و طراحی محیطی برای کاهش میزان جرم از طریق افزایش زمینه‌های مشاهده و مالکیت برمی‌گردد (Newman, 1996). اسکار نیومن دربارهٔ اهمیت عوامل فیزیکی و اجتماعی در ایجاد فضای قابل دفاعِ موفق معتقد است اندازهٔ ساختمان بر رفتار ساکنان اثر مستقیمی به این ترتیب دارد:

۱. نحوهٔ استفاده از فضاهای عمومی در مجموعهٔ مسکونی؛

۲. روابط اجتماعی با همسایگان؛

۳. میزان احساس کنترل بر مناطق عمومی داخلی و خارجی مجموعه (نیومن، ۱۳۸۱: ۱۸-۲۳).

او همچنین بیان می‌کند عناصر فضای دفاع‌پذیر، خود عوامل اجتماعی‌ای را که برای خلق فضای دفاع‌پذیر موفق ضروری است، القا می‌کند.

فضاهای قابل دفاع و سرمایهٔ اجتماعی در شهرهای سنتی ایران

پیشینهٔ رویکرد فضاهای قابل دفاع در شهرهای سنتی ایران

نگاهی اجمالی به تاریخ سرزمین کهن ایران، گواهی است بر این ادعا که در شهرهای شکل‌گرفته در بافت سنتی، تقویت فضاهای امن از طریق طراحی مناسب کالبد و افزایش

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

تعاملات اجتماعی بین ساکنان اهمیت داشته است. چنان‌کـه بررسـی دقیـق‌تـر بافـت تـاریخی شهرهای سنتی، تلاش کالبد بافت را در جهت ایجاد نظارت همگانی و حفظ قلمرو طبیعی- که از پایه‌های اساسی ایجاد فضای قابل دفاع و نیز از اصول مهـم نظریـه‌هـای نیـومن و جیکـوبز به‌طور مشترک بوده است- نشان می‌دهد. کرو نیز در این باره می‌گویـد بـرای ایجـاد دسترسـی مطلوب و کاهش دسترسی مجرمان مـی‌تـوان از نظـارت‌هـای عمـومی بـر معـابر و مـسیرهای دسترسی بهره گرفت (خاموشی، ۱۳۸۷: ۱۵٦؛ Crow, 2000: 43-67). جهت‌گیری پنجرهٔ بناها به سمت معابر و میادین محلات بافت در واقع به‌دلیل افزایش میـزان کنتـرل و پـایش فـضا از جانب ساکنان شهرهای سنتی در ایران است؛ معابری که در شهرهای کویری بافـت کهـن بنـابر ملاحظات اقلیمی اغلب دیوارهای بلند و عرض کمی دارند؛ این ویژگـی اهمیـت لـزوم چنـین مراقبتی را از فضا دوچندان می‌کند. این پنجره‌ها که گاهی در شکل پنجره‌هـای مـشبّک بـسیار زیبا نمود پیدا می‌کنند، ضمن عهده‌دار شدن نقـش کنترلـی خـود، محرمیّـت فـضاهای درونـی ساکنان را که تمایل به حفظ آن را دارند، تأمین می‌کند.

شکل۲ نمایی از داخل یک فضای تاریخی که استفادهٔ مطلوب از پنجره‌های مشبک را نشان می‌دهد (http://vista. ir)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

عناصر سیستمی شهرهای سنتی ایران و اصل دفاع‌پذیری

فضاهای شهری در معماری و شهرسازی ایران اهمیت ویژه‌ای داشته است. یکی از مسائل مهم و مورد توجه در شهرسازی ایران، توجه به قلمروهای فضایی سلسله‌مراتب دسترسی افراد به فضاهای مختلف است. قلمرو فضایی معمولاً به دو صورت عمومی و خصوصی بررسی می‌شود. در بافت قدیم شهرهای ایران، حدّ فاصل و واسط این قلمروهای فضایی نیز تعریف شده است. فضاهای خصوصی شامل حیاط و عناصر آن بوده است. فضای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی به‌صورت یک بن‌بست اختصاصی یا یک هشتی بوده که به چند خانه راه داشته و قلمرو چندین واحد مسکونی یا مجموعهٔ همسایگی بوده است. فضاهای عمومی نیز به‌صورت گذر و میدان، قلمرو و محدودهٔ یک محله بوده است (فرسایی، ۱۳۸۸). در واقع عناصر موجود در بافت‌های قدیمی شهرهای سنتی، خود سیستم‌های فرعی یک سیستم بزرگ‌تر بوده‌اند. این عناصر که در پاسخ‌گویی به نیازهای اقلیمی و حیاتی پدید آمده‌اند، با گذشت زمان روند تکاملی خود را طی کرده و به‌صورت سیستم‌های متعالی شکل گرفته‌اند (فرشاد، ۱۳٦۷: ۵۳). از این عناصر سیستمی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- بن‌بست: کوچک‌ترین سیستمی است که در محدودهٔ تاریخی شهرها معنا دارد. ساخت شبکهٔ ارتباطات در شهرهایی با بافت پیوسته و متراکم که رشدی تدریجی و پویا داشته‌اند، به پیدایش معابر بن‌بست با طول‌های بسیار متفاوت برای تأمین دسترسی به تعدادی واحد مسکونی یا واحدهای معماری دیگر منجر شد. بسیاری از آن‌ها به‌صورت راسته مستقیم یا با انحنا و برخی از آن‌ها به‌صورت راستهٔ پیچ‌درپیچ بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۰: ۲۷). بن‌بست‌ها به دلیل اجازهٔ ورود ندادن به غریبه‌ها، افراد غیرساکن و عبوری، امنیت خوبی را برای اهل کوچه فراهم می‌کرد (Pourjafar, 1983: 35). بیشتر معابر بن‌بست به واحدهای مسکونی اختصاص داشت و عرصه‌ای نیمه‌خصوصی برای ساکنان آن بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۰: ۳۵).
- شبکهٔ بن‌بست: از ترکیب چندین بن‌بست ساده و یک معبر که این سیستم‌ها را به هم می‌پیوندد، شبکهٔ بن‌بست به‌وجود می‌آید.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

- معبر ارتباطی: از ترکیب چند شبکهٔ بـن‌بـست حـول معبـری بـن‌بـاز و کوتـاه بـدون کاربری‌های عمومی، واحد بزرگ‌تری به نام معبر ارتباطی به‌وجود می‌آید.
- زیرمحله: از ترکیب تمام اجزای قبلی حول معبری طولانی‌تر، زیرمحله شکل می‌گیرد. روی این معبر معمولاً گشایش‌های فضایی محدودی به‌صورت میدانچه و اطـراف آن کاربری‌های عمومی چون حمام، مسجد، تکیـه و خـرده‌فروشـی و... قـرار دارد. ایـن میدانچه‌ها در شهرهای سنتی ایران نمونهٔ کاملی از تنوع و اختلاط کاربری‌هـا، ایجـاد فضایی جهت افزایش حضور مردم و بالا بردن نظارت اجتمـاعی اسـت و مـی‌توانـد الگوی جامعی برای ایجاد فضاهای دفـاع‌پـذیر و افـزایش امنیـت محیطـی شـهرهای امروزی باشد.
- محله: از ترکیب دو یا سه زیرمحله حول یک معبر شـهری قـوی کـه معمـولاً میـدان اصلی در آن قرار دارد و مسجد و بازارچه نیز به آن افزوده می‌شود، محلـه بـه‌وجـود می‌آید. در شهرهای ایرانی، محله یا کوی مانند شهری کوچک در دل شـهر بـه‌شـمار می‌آمد که دارای بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر تسهیلات مورد نیـاز سـاکنان بـود. این تسهیلات با کوچه‌های باریکی به یکدیگر و منازل مسکونی مـی‌پیوسـت؛ بـدین ترتیب زمانی محرمیت، آسایش و امنیت بافت مسکونی به‌خوبی تـأمین مـی‌شـد کـه خانه‌ها حول کوچه‌ای بن‌بست در محله قرار می‌گرفت (پورجعفر، ۱۳۸۱: ۱٦).
- شهر: از ترکیب محلات با بازار، میدان حکومتی، بناهـای دولتـی و مـسجد جـامع، شـهر شـکل می‌گیرد.

ارتباط میان عناصر تشکیل‌دهندهٔ شهرهای سنتی در شکل‌گیری منظومهٔ شهری نقش اساسـی داشته است. از دیدگاه سیستمی، انواعی از ارتباط‌های بـین‌عنـصری در شـهرهای سـنتی دیـده می‌شود (فرشاد، ۱۳٦۷: ۵۵):

۱. ارتباط‌های فیزیکی: شامل شبکهٔ معابر و گذرگاه‌هاست. ارتباط فیزیکـی بـین عناصـر هویت ساختاری شهر را به‌وجود می‌آورد. در شـهرهای قـدیمی، مکـان‌یـابی عناصـر شاخص و اصلی همچون مسجد، آب انبار، ارگ و بازار در مسیر شریان اصلی انجـام می‌گرفت. به این صورت مجموعه عناصر یادشده با یک گذرگاه و یا مجموعه‌ای از

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

گذرها به یکدیگر می‌پیوست. قرار دادن فعالیت‌های «ناامن» در «مکان‌هایی امن» یعنی مکان‌هایی با میزان فعالیت بالا و فرصت نظارت فراوان، از راهکارهـای ارزشـمند در کاستن از میزان جرم در محله‌ها و مناطق شهری است؛ این راهکار کـه از آن بـا نـام فعالیت پشتیبانی و به‌عنوان یکی از ارکان نظریهٔ CPTED یاد می‌شود، با ارکان دیگر این نظریه چون قلمروگرایـی، کنتـرل ورودی‌هـا و نظـارت مـرتبط اسـت. در واقـع «فعالیت‌های امن» مانند کانون تجمّع افراد محلـه عمـل مـی‌کنـد و موجـب افـزایش چشم‌های ناظر بر خیابان، افزایش فرصـت نظـارت، تقویـت همبـستگی اجتمـاعی و بیشترشدن کنترل اجتماعی غیررسمی می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۱: ۷۵).

۲. ارتباط‌های اجتماعی و کنترلی: هریک از سیستم‌هـای فرعـیِ تـشکیل‌دهنـدهٔ سیـستم شهری از محلاتی تـشکیل مـی‌یافتنـد کـه از لحـاظ قـانونی، اداری و شـرعی دارای درجاتی از خودمختاری بودند و به رفـع امـور روزمـرهٔ خـود، درون سیـستم فرعـی می‌پرداختند؛ در عین حال که درون خود دارای ارتباط‌های کنترلی نیز بودند. در واقع این محلات با ارتباط‌های کنترلی درون خود و بـا ایجـاد احـساس تعلـق و مالکیـت شخصی، نظارت اجتماعی این فضاها را افزایش می‌داد.

۳. ارتباط‌های برون‌شهری و ارتباط بین شهر و روسـتا: میـان مراکـز اصـلی جمعیـت و روستاهای اطراف، از گذشتهٔ دور پیوند حیاتی برقرار بوده است. ایـن ارتبـاط‌هـا بـه مبادلهٔ کالا و محصولات کشاورزی، اطلاعات و... می‌انجامید.

٤. سلسله‌مراتب میان عناصر شهری در ابعاد ساختاری و رفتاری: این سلسله‌مراتـب را می‌تـوان در سـاختار فـضایی شـهر (محلـه، بـازار و مـسجد)، سلـسله‌مراتـب دسترسی‌های موجود (گذرهای اصلی، فرعی و بن‌بست)، سلسله‌مراتب فضایی از نظر فضاهای عمومی و خـصوصی (محرمیـت)، سلـسله‌مراتـب توزیـع خـدمات شهری و سلسله‌مراتب موجود در عناصـر نمـادین مـشاهده کـرد. در واقـع ایـن سلسله‌مراتب همان است که جیکوبز از آن باعنوان «تعیین حدود واضح فضاهای عمومی و خصوصی» و یکی از سه مشخصهٔ شهر امن در کتـاب ***مـرگ و زنـدگی شهرهای بزرگ آمریکایی*** (۱۹٦۱) یاد می‌کند.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

شهرهای قدیم ایران به‌عنوان منظومه‌هایی پویا، دارای سیـستم نظـام‌وار بـوده‌انـد. از ایـن‌رو ایـن مجموعه‌ها درون خود روندهایی داشته‌اند که شبیه آن را در بسیاری از سیستم‌های ارگانیک می‌توان یافت (مجلهٔ برنامه‌ریزی شهری و مسکن، ۱۳۸۱). در واقع شهرهای سنتی ایران در بافت قدیمی بـه جهت ساختار کالبدی- فضایی، ویژگی‌ها و ارزش‌هایی چون امنیت، محرمیت و هویت را که لازمهٔ تقویت دفاع‌پذیری است، با خود به همراه داشته است (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۹-٤٤). تمام اجـزاء و عناصر این سیستم نظام‌وار در شهرهای کهن ایران در ساختاری به‌هـم پیوسـته، از کوچـک‌تـرین سیستم یعنی «بن‌بست» آغاز و در نهایت در یک زنجیرهٔ مرتبط به بزرگ‌ترین سیـستم یعنـی «شـهر» ختم می‌شود؛ درواقع مجموعهٔ بن‌بست‌ها «شبکهٔ بن‌بست» را مـی‌سـازد و در کنـار زیرسیـستم‌هـای دیگر یعنی «معبر ارتباطی»، «زیر محله» و «محله»، سیستم بزرگ‌تـر «شـهر» را تـشکیل مـی‌دهـد. از سوی دیگر، از بین مجموعه عناصر سیستم‌های شهری، ارتبـاط‌هـای دوسـویه از نـوع ارتبـاط‌هـای فیزیکی، اجتماعی و کنترلی، برون‌شهری و... مجموعهٔ سیستم را در وضـعیتی پویـا و تعـاملی قـرار می‌دهد؛ حالتی که موجب رشد کیفی شهر در بافت شهرهای قدیم ایران مـی‌شـود و در عـین حـال اصول مهم دفاع‌پذیری فضاهای شهری را تحت محورهای کالبدی و اجتماعی با ساختن محیط‌های پویا، که با مراقبت جمعی نظارت می‌شود، تقویت می‌کند.

میدان نقش جهان اصفهان: ترکیب کاربری‌ها[1]، ارتقای امنیت محیطی و دفاع‌پذیری

شهر اصفهان به‌عنوان نمونه‌ای کامل از مفـاهیم یـادشـده در شـهرهای سـنتی ایـران، بـه روش مشاهده‌ای و با استناد به پژوهش‌های صورت‌گرفته، برای موضوع تحقیق انتخاب شـده اسـت. نتایج این پژوهش در بسیاری موارد به شهرهای دیگر ایران در بافت سنتی چون تبریز، کاشـان، یزد، کرمان و... تعمیم‌پـذیر اسـت؛ امـا در اینجـا از بیـان جزئیـات هریـک بـه طـور جداگانـه چشم‌پوشی می‌کنیم. دقت در کالبد بافت شهرهای سنتی ایران نشان می‌دهد چیدمان کاربری‌هـا در جوار هم نه به‌صورت یکنواخت، بلکه ترکیبی متوازن و هماهنگ از کـاربری‌هـای سـازگار همواره مورد نظر بوده است. در واقع شاهد شکل‌گیری شـهرهایی در بافـت‌هـای کهـن ایـران هستیم که به اصول بنیادین دفاع‌پذیری فضاهای شهری پایبند بـوده‌انـد؛ اصـولی کـه بعـدها از

1. Mix Lnaduse

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

سوی نظریه‌پردازانی چون جیکوبز مبنی بر لزوم «تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر» مطرح شد. نمونهٔ شاخص این پایبندی به اصول دفاع‌پذیری فضا- که کاربری اراضی در آن با تنوع و اختلاط مناسب مورد توجه قرار گرفته است- در شهر تاریخی اصفهان و یادگارهایی چند از دورهٔ صفوی ازجمله میدان نقش جهان به‌چشم می‌خورد. میدان نقش جهان اصفهان از فضاهای مهم شهری در معماری و شهرسازی ایران است.

شکل۳ میدان نقش جهان اصفهان، پلان مسجد امام در سمت راست تصویر و بافت شهری اطراف میدان .(http://civilica. persiangig. com)

میدان محلی برای برگزاری جشن‌ها و مراسم خاص دولتی و همچنین برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی بین مردم اصفهان بوده است. در شهرسازی ایرانی فضاهایی با مقیاس کوچک‌تر نیز وجود دارد. برای مثال میدانچه‌هایی که در محلات مختلف شهر یزد وجود دارد، دلیلی بر اثبات توجه معماران ایرانی به فضای شهری است (فرسایی، ۱۳۸۸). بررسی این میدان با تأکید بر رویکرد دفاع‌پذیری و افزایش امنیت محیطی فضاهای شهری، نشان‌دهندهٔ به‌کارگیری مطلوب اصول یادشده است. یکی از این اصول که در آرایش این میدان تاریخی به‌نحو ارزنده‌ای رعایت شده- چنان‌که هنوز هم پس از گذشت قرن‌های متمادی نقش خود را حفظ کرده است- تنوع و ترکیب مؤثر کاربری‌های برنامه‌ریزی شدهٔ اطراف میدان است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

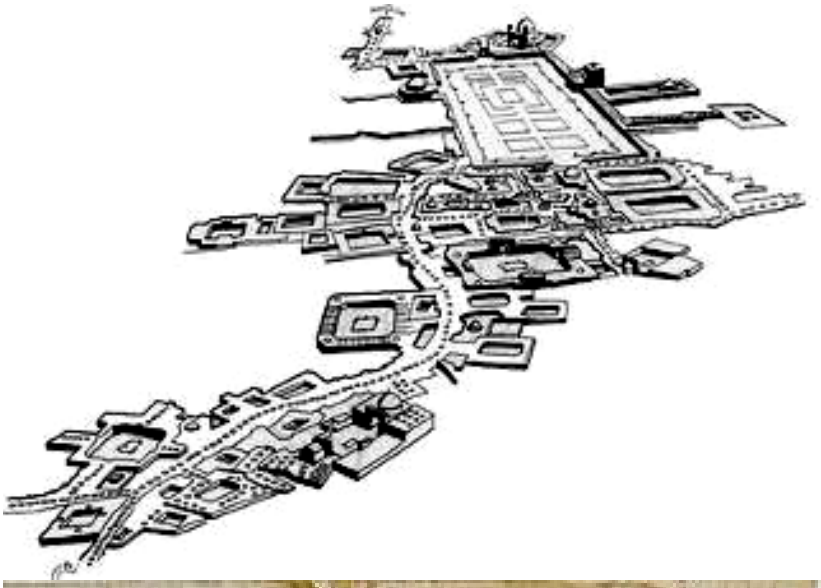

شکل٤ محور بازار و بافت تجاری در جوار کاربری‌های متنوع تفریحی، مذهبی، گردشگری و... حول میدان

(http://vista.ir, http://tinypic.info)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

آنچه از تصویر بالا برمی‌آید این است که با تشویق حضور مستمر مردم و گردشگران در بازار کهن و ارزشمند به‌جامانده از دوران صفوی، امکان نظارت طبیعی و پایش مداوم میدان فراهم آمده است.

امروزه، کاربری زمین‌های شهری در نظام‌های برنامه‌ریزی به دلیل استفادهٔ بهینه از زمین‌های شهری، در انواع طرح‌های شهری و منطقه‌ای جایگاه خاصی یافته است (زیاری، ۱۳۸۱: ۱۱). آنچه در نظریهٔ برنامه‌ریزی فضایی مطرح می‌شود این است که کاربری زمین شهری باید به ادراک زیبایی، هویت فضایی و احساس تعلق به محیط- عنصری که لازمهٔ ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر شهری است- پاسخ دهد (سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۱۵). در بررسی این میدان باارزش، شاهد کاربری‌های متنوعی از کاربری فرهنگی، گردشگری، مذهبی، تجاری، اداری و... هستیم. این کاربری‌ها در ارتباطی دوسویه و زنجیروار به‌خوبی ترکیب یافته است و ضمن افزایش نظارت طبیعی به‌گونه‌ای مطلوب، به نقش کارکردی خود در فضای شهری عمل می‌کند؛ گفتنی است که نظارت طبیعی به‌عنوان یکی از اصول دفاع‌پذیری فضا از سوی نیومن مطرح شده است و او از آن به پیوستگی بین ویژگی‌های فیزیکی فضا و توانایی ساکنان برای مشاهدهٔ آنچه اتفاق می‌افتد، تعبیر می کند (Newman, 1996). بازار میدان نقش جهان با کارکردی تجاری همچون قلب تپنده و یکی از کانون‌های مهم شهری، گرداگرد میدان را فراگرفته و در یکی از عرض‌های میدان جای گرفته است. این کارکرد «کاربری پیاده در پیاده‌روها» را که جیکوبز آن را لازمهٔ فضای قابل دفاع می‌داند، تشویق می‌کند. چیزی که آنجل نیز در نتایج تحقیقاتش به آن اشاره می‌کند: میزان جرم به طور معکوسی با سطح فعالیت در خیابان‌ها ارتباط دارد. از سوی دیگر، احساس تعلق و مالکیت صاحبان تک‌تک مغازه‌های میدان که گرداگرد آن را دربرگرفته‌اند، موجب مراقبت فضا با مسؤلیت جمعی شده است؛ همچنین مشاهدهٔ نظارت اجتماعی حاکم زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش و دفاع‌پذیری و امنیت محیطی را افزایش داده است. پیترسون نیز از محققانی است که بر «کاربری مختلط (متنوع) از محله» به دلیل کاهش فرصت‌های مجرمانه از طریق افزایش حضور مردم و افزایش انواعی از فعالیت‌ها تأکید می‌کند (Pettersson, 1998: 1-24).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

شکل۵ نمایی از میدان نقش جهان اصفهان که مسجد، مغازه‌های اطراف، حضور مردم و سایت میدان را در بافت کهن این شهر نشان می‌دهد

.(www. hamshahrionline. ir)

نتیجه‌گیری

گسست در ساختار فضایی- اجتماعی شهرها در روند برنامـه‌هـای توسـعه‌ای امـروز، موجـب ناکارآمدی طرح‌های توسعه شده و نگاه کلان و شهرمقیاس را به سلول‌های بنیادین یا محـلات شهری معطوف کرده است، تا از این سطح در جهت هدف اصلی برنامه‌ریزی یا بهبـود کیفیـت زندگی ساکنان تلاش کند. بنابراین برای رسیدن به اهداف فضاهای امـن و دفـاع‌پـذیر شـهری به‌عنـوان سـرمایه‌ای اجتمـاعی، کـاوش «محـیط سـاخته‌شـده» از سـوی معمـاران، طراحـان و برنامه‌ریزان شهری در دوره‌های مختلف زمانی از طریق آثار به‌جامانده در شهرهای تاریخی، در تدوین راهبردهای مؤثر در این عرصه نقش کارآمدی خواهد داشـت. در ایـن پـژوهش ضـمن تعریف کلی عناصر و شکل کالبدی شهرهای سنتی ایران و اشـاره‌ای اجمـالی بـه میـدان نقـش جهان اصفهان، به مقایسهٔ ایده‌های شکل‌دهندهٔ شهرهای سنتی ایران با تعریف‌هـا و نظریـه‌هـای اندیشمندان این حوزه پرداخته شده است. اندیشمندانی که در نظریه‌های آن‌ها دربـاب امنیـت، دفاع‌پذیری و پیشگیری از جرم در فضاهای شهری، نوعی انتقـاد از شـرایط طراحـی و محـیط

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

ساخته‌شدهٔ آن دوره به‌چشم می‌خورد. یکی از مصادیق این انتقاد، نظریه‌های جیکوبز در مورد شهرهای قرن بیستم آمریکاست. جایی که او به تنوع[1] و سرزندگی[2] در شهرها اعتقاد دارد، چنین اذعان می‌کند که روش‌های طراحی شهری در این دوره از تعاملات اجتماعی میان مردم و «خودنظارتی» مؤثر می‌کاهد؛ به‌طوری که با کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی از راه ایده‌پردازی طراحان شهری- که به جداسازی محلات و خیابان‌های خلوت معتقدند- و با کاهش میزان حضور افراد در خیابان‌ها، از میزان نظارت طبیعی کاسته و بر فرصت‌های جرم و به دنبال آن آمار ارتکاب جرم افزوده می‌شود. بررسی سیستم نظام‌وار شهرهای کهن ایران نشان می‌دهد تمام اجزاء و عناصر آن در ساختاری به‌هم پیوسته از کوچک‌ترین سیستم یعنی «بن‌بست» آغاز و در کنار زیرسیستم‌های دیگر چون «معبر ارتباطی»، «زیرمحله» و «محله» در یک زنجیرهٔ مرتبط، در نهایت به بزرگ‌ترین سیستم یعنی «شهر» ختم می‌شود. در کنار زیرسیستم‌های دیگر یعنی «معبر ارتباطی»، «زیرمحله» و «محله» که سیستم بزرگ‌تر «شهر» را تشکیل می‌دهد. ارتباط‌های دوسویهٔ فیزیکی، اجتماعی و کنترلی، برون‌شهری و... بین مجموعه عناصر سیستم‌های شهری آن، نشان می‌دهد شهرهای ایران در طول تاریخ اصول مهم دفاع‌پذیری فضاهای شهری را تحت محورهای کالبدی و اجتماعی با خلق محیط‌های پویا- که با مراقبت جمعی کنترل می‌شده- درون خود داشته است. این شهرها نمونهٔ کاملی از تنوع و اختلاط کاربری‌ها، ایجاد فضایی جهت افزایش حضور مردم و بالا بردن نظارت اجتماعی بوده است و می‌تواند پشتوانهٔ سرمایهٔ اجتماعی و الگوی جامعی برای ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر و افزایش امنیت محیطی شهرهای امروزی باشد. البته بررسی جامعهٔ ایران نشان می‌دهد انسجام اجتماعی برای ایجاد اعتماد در جهت انجام اصلاحات اجرایی مهم است و شهروندان باید بدانند زیان‌های کوتاه‌مدت اصلاحات به‌مراتب از جبران منافع آتی و بلندمدت کمتر است. اگر سطح اعتماد در جامعه‌ای پایین و ارتباط‌ها ضعیف باشد، ممکن است جامعه به چندین گروه با اهداف کاملاً متضاد تقسیم شود؛ در این‌صورت تعامل تاحدودی سخت‌تر می‌شود. بخش‌های

1. Diversity
2. Vitality

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

نسبتاً خوب سازمان‌دهی‌شدهٔ جامعه ممکن است در تأثیرگذاری سیاست‌گذاری‌ها به نفع خود و به ضرر سایر گروه‌ها و حتی کلّ جامعه موفق عمل کند.

در جمع‌بندی کلی، محققان سرمایهٔ اجتماعی را کاهش‌دهندهٔ هزینـه‌هـا، مـؤثر بـر پایـداری اجتماعی در سطح محله و مؤثر بر پایداری محیطی و اقتصادی در تمـام سـطوح مـی‌داننـد. از خصوصیات سرمایهٔ اجتماعی تقویت آن به‌واسطهٔ هزینه‌شدن آن است؛ به این معنـا کـه هرچـه این سرمایه بیشتر به‌کار گرفته شود، باعث تولید و بازتولید آن می‌شود و هـر چـه بـی‌مـصرف بماند از توانایی آن کاسته یا با فرساش سرمایهٔ اجتماعی روبه‌رو می‌شود.

نتایج این پژوهش رابطهٔ معنادار میان سـرمایهٔ اجتمـاعی و ارتقـای کیفیـت محیطـی ضـمن فضاهای قابل دفاع ایجادشده را تأیید می‌کند؛ ارتباط مثبت میان سـرمایهٔ اجتمـاعی و رضـایت کلی از امنیت محله در کنار دیگر شاخص‌ها، یکی از یافته‌های بسیار مهم این تحقیق است. این دستاورد برنامه‌ریزان شهری را به برنامه‌ریزی برای افزایش سرمایهٔ اجتماعی و آثار مثبت آن بـر محیط محله‌های شهری تشویق می‌کند. با توجه به اینکه این تحقیق بـر شـهرهای سـنتی ایـران تأکید دارد و آن‌ها را در دوره‌ای از کارآمدی‌شان بررسی کرده است، ممکـن اسـت ایـن سـؤال مطرح شود که آیا نتایج تحقیق به شهرهای مدرن امروز نیز تعمـیم‌پـذیر خواهـد بـود؟ بـه‌نظـر می‌رسد موارد بررسی‌شده در چارچوب شهرهای سنتی تاحدودی قابلیت سازگاری با شهرهای جدید را داشته باشد، ولی نه به‌طور کامل؛ چرا که با افزایش جمعیت شهرنشینی و بالاتر رفـتن تراکم جمعیتی محلات- با فرض اینکه طراحی محلات در قالـب یـک برنامـهٔ جـامع کالبـدی کنترل شده باشد- اگر برنامه‌ریزی‌هـای لازم در جهـت بـه‌کـارگیری سـرمایهٔ مثبـت اجتمـاعی صورت نگیرد، این مهم به ایجاد و ارتقای امنیت محیطی از طریق فضاهای قابـل دفـاع کمـک نمی‌کند و پیامدهای منفی سرمایهٔ اجتماعی را گریبان‌گیر جوامع امروزی خواهد کرد.

منابع

- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). ***محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخـصی، قلمـرو و ازدحـام***. ترجمهٔ علی نمازیان. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه بهشتی.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن محمد. (۱۳۵۲). ***مقدمهٔ ابن خلدون***. ترجمهٔ محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بیانلو، یوسف و محمدکریم منصوریان. (۱۳۸۵). «رابطهٔ تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم». ***فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی***. س٦. ش۲۲.
- پودراتچی، مصطفی. (۱۳۸۱). «فضاهای بدون دفاع». ***ماهنامهٔ شهرداری‌ها*** (ماهنامهٔ برنامه‌ریزی و مدیریت شهری). س٤. ش٤١.
- پورجعفر، محمدرضا، هادی محمودی‌نژاد، مجتبی رفیعیان و مجتبی انصاری. (۱۳۸۷). ***ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد*** C. P. T. E. D. ج۱۹. ش ۵. تهران: انتشارات نشریهٔ بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پورجعفر، محمدرضا و علی‌اکبر تقوایی. (۱۳۸۱). «معیارهای بهینه برنامه‌ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباط‌های متقابل اجتماعی». ***فصلنامهٔ تحلیلی پژوهشی مدرس هنر***. ش۱. دانشگاه تربیت مدرس.
- پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). ***مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهری***. تهران: پیام.
- پیران، پرویز، میرطاهر موسوی و ملیحه شیانی. (۱۳۸۵). «کارپایهٔ مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایهٔ اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)». ***فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی***. س٦، ش۲۳.
- تاجبخش، کیان. (١٣٨٤). ***سرمایهٔ اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه***. ترجمهٔ افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۵). ***جزوهٔ درسی مکاتب شهرسازی***. دانشگاه تهران.
- خاموشی، طاهره. (۱۳۸۷). ***نقش طراحی شهری در ایجاد فضای عمومی امن در راستای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۱). ***برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (مورد: میناب)***. دانشگاه یزد.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۰). ***فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران***. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی (وابسته به مراکز فرهنگی- سینمایی) با همکاری شهرداری تهران.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۸). ***کاربری زمین شهری***. ج۲. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- فرسایی، علیرضا. (۱۳۸۸). «فضاهای شهری و اصول شهرسازی ایرانی». ***نشریهٔ الکترونیکی، خبری، آموزشی مسکن***. قابل دسترسی در:

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

<.http://www. maskanmag. com>

- فرشاد، مهدی. (۱۳٦۷). ***نگرش سیستمی***. تهران: امیرکبیر.
- مبشری، محمد. (۱۳۸۷). «سرمایهٔ اجتماعی چیست». ***روزنامه همشهری***. س۱٦. ش٤٦۷۹. ص۱٦.
- محمودی جانکی، فیروز و مجید قورچی بیگی. (۱۳۸۱). «نقش طراحـی محیطـی در پیـشگیری از جرم». ***فصلنامهٔ حقوق***. دورهٔ۳۹. ش۲. تهران: دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مونتسکیو، شارل لویی. (۱۳٦۲). ***روح‌القوانین***. ترجمهٔ علی‌اکبر مبتدی. تهران: امیرکبیر.
- نیومن، اسکار. (۱۳۸۱). «نقـش طراحـی شـهری در ایجـاد فـصاهای قابـل دفـاع». ترجمـهٔ نـسیم ایرانمنش. ***مجلهٔ شهرداری‌ها***. س٤. ش٤٤. صص۱۸-۲۳.
- ***مجلهٔ برنامه‌ریزی شهری و مسکن***. (۱۳۸۸). خبرگـزاری دانـشجویان ایـران. قابـل دسترسـی در: <http://isna. ir/isna/NewsView. aspx?ID=News>
- Crowe, Tim. (2000). Crime Prevention Through Environmental Design. 2nd Edition. Boston: Butterworth – Heinman. PP. 43-67.
- Feins, J., J. Epstein & R. Widom. (1997). Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods: Comprehensive Changes in Design, Management and Use. US Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice, Washington DC.
- Jacobs, Jane. (1961). the Death and Life of Great American Cities. New York: Random House. ISBN 0-679-60047-7
- Krupat, E. & P. Kubzansky. (1987). Designing to Deter Crime. Psychology Today. 21. pp. 58-61.
- Newman, Oscar. (1996). Creation Defensible space. Available at: <http://www. defensiblespace. com/book. htm>
- Petrella, Laura, Urban Space and Security Policies: between Inclusion and Privatization, UN-HABITAT, World Urban Forum, 2004, Barcelona, Spain
  <www. unhabitat. Org /programmes/safercities/WUF_UrbanSpace. asp>

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

- Pettersson, G. (1997). "Crime and mixed-use development". Eds. A. Coupland. in Reclaiming the City: Mixed Use Development. Spon, London.
- Portes, A. (1998). "Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology. " Annual Review of Sociology. 24: PP. 1-24.
- Pourjajafar, M. R. (1983). "Neighborhood Unit, Precept and Performance of Sector 22, Chandigar". B. Arc Thesis, P. 35.
- Putnam, R. D. (1993). Making Democracy Work. Civic Ttraditions in Modern Italy. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Robinson, Matthew B. (1996). "The Theoretical Development of 'CPTED': 25 Years of Responses to C. Ray Jeffery". Appears in: *Advances in Criminological Theory*. Vol. 8. Url Last Accessed on May 6, 2006.
- Rostami Tabrizia, Lamya. & Ali Madanipour. (2006). Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran, Habitat International. Vol. 30, Issue4, PP. 932-944. Available at: <http://www. sciencedirect. com>
- Sally E. Merry. (1981). Defensible Space Undefended, Social Factors in Crime Control Through Environmental Design. Urban Affairs Review. Vol. 16. No. 4. PP. 397-422.
- Schneider, S. & P. Pearcy (1996). The Theory and Practice of CrimeP Through Environmental Design: A Literature Review. Report for Canada Mortgage and Housing Corporation, Ottawa.
- <http://www. wikipedia. org> (2008)
- <http:// www. voruidoso. com/... /Photo%20Gallery. html> (2009)
- <http://www. urbanmanagement. ir> (2010)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]

- <http://www. alhosseini. org> (2008)
- <http://www. hamshahrionline. ir> (2009)
- Naghsh-e-Jahan Bazaar, Available at:
<http://vista. ir/include/photos/photos/FAA17011. jpg&imgrefurl> (Auguest2010)
- Naghsh-e-Jahan Square, Available at:
<http://civilica. persiangig. com/image/jeograghy/esfahan. jpg> (Auguest2009)
- Naghsh-e-Jahan Bazar, Available at:
<http://tinypic. info/files/qbdokatrb9ac8xh1ezxd. jpg> (Auguest 2009).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-04-20]